

بررسی نیاز های کودکان و توانایی پاسخ دهی محیط به آنها در طراحی

احمد محمدپور^{1*}؛ فرزانه سربلند²

1- عضو هیات علمی، گروه معماری، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی 3697 - 19395 تهران، ایران، ahad661@gmail.com

2- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، Architect72f@gmail.com

چکیده

کودکی یکی از دوره های حساس زندگی بشر می باشد. شخصیت هر انسان از همان دوران کودکی تحت تاثیر عوامل مختلف محیطی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی شکل می گیرد. با توجه به اینکه محیط نقش موثری بر روحیه و کارکرد هر فرد دارد و معماری فضا ها رابطه مستقیم با محیط زندگی دارد لذا نقش معماری در رشد شخصیت و آرامش کودکان، نباید نادیده گرفته شود، بنابراین توجه به کودک و فضای معماری متناسب با نیازهای کودکان نیاز جامعه ی امروز می باشد. در این مقاله طراحی محیط متناسب کودکان از طریق پرسش از کودکان صورت گرفته است که تاحد زیادی ما را در رسیدن به معماری متناسب وایده آل برای کودکان یاری می رساند. روش تحقیق این مقاله توصیفی- تحلیلی می باشد. یافته های پژوهش نشان می دهد که تمایلات و نیازهای کودکان تاحد زیادی مشابه می باشند و با توجه به این مطالب می توان الگوی مناسب برای طراحی فضاهای معماری کودکان را به طور کلی شامل محیطی همراه با کنترل و نظارت والدین، دارای فضایی شاد، امکانات ایمن و پر تحرک قلمداد نمود و نقش پررنگ طبیعت در طراحی فضا و حضور هم بازی در مکان های طراحی شده لازم می باشد.

واژه های کلیدی: کودک ، نیاز، معماری، محیط، طراحی

1- مقدمه

امروزه میدانیم که انسان، نه موجودی منزوی و ایزوله، بلکه موجودی وابسته و در ارتباط تنگاتنگ با پیرامون خود است که این وابستگی نیاز نام دارد، نیاز، وابستگی ما انسانها به آنچه بیرون از ما قرار دارد، برای رفع نقایص و کمبودهای درونی، در جهت رشد و اعتلای خود میباشد. نیاز به عنوان محرک انگیزه، در انجام رفتارهای مختلف، نقش مهمی در زندگی ما دارد و منشاء بسیاری از انگیزه ها و رفتارهای ما است [1].

در سالهای اولیه زندگی، کودک برای نخستین بار با طبیعت ارتباط برقرار می کند، روابط اجتماعی اش را شکل میدهد و به مفهومی از خود دست می یابد، از آنجاکه در این دوران ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان نهاده می شود، دوران کودکی را دوران سرنوشت سازی دانسته اند [2].

بزرگسالان به محیط زندگی خود توجه دارند؛ می توانند آنرا در نظر آورند و درباره آن دست به تفکر و تأمل بزنند. اما کودکان به طور کلی مجذوب و محصور محیط زندگی خود می شوند و آنرا جذب و درون سازی می کنند. کودکان چیزهایی را که جلب شان می کنند، فقط به خاطر نمی سپارند، بلکه از نظر روانی تأثیر نیرومندی بر آنان میگذارند و بخشی از وجود آنها می شود. کودکان سراسر فضای پیرامون شان را اعم از آنچه می بینند یا می شنوند، در وجودشان نقش می کنند [3].